



زمستان در نمکلان لرستان

کریم گلابیان

روستای نمکلان در بخش چغلوندی لرستان در منطقه‌ای کوهستانی با زمستان‌های پربرف و سرد واقع شده است. مردم شب اول فصل سرد سال را یلدا یا اول قهار (qahâr) می‌نامند.

شب یلدا از شب‌های ویژه سال است که استقبال و برگزاری مراسم این شب آیین و سنت ویژه‌ای دارد. برخی یک هفته قبل از رسیدن شب یلدا آماده می‌شوند تا در کنار خانواده، اقوام و دوستان، این بلندترین شب سال را با خوشی و شادی سپری کنند.

تهیه آجیل، شیرینی و میوه از جمله کارهایی است که برخی به آماده کردن آن مقید و پایبند هستند. عده‌ای در این شب، گوسفند، بز (چپش) (čapeš)، مرغ یا خروس و برای دورباش دادن به بلاهای ارضی و سماوی قربانی می‌کنند.

معمولاً کوچک‌ترها بعد از صرف شام برای شب‌نشینی به خانه نزدیکان می‌روند و حدود سه تا چهار ساعت در جمع گرم و صمیمی اقوام خواهند ماند.

شال درکی (شال‌اندازی)

نوجوان‌ها در این شب به رسم شال‌اندازی یا شال‌دُرکی (šâldoraky) از خانه خارج می‌شوند و گروهی را تشکیل می‌دهند و شال‌هایی را که با خود دارند از پشت بام و جلوی پنجره خانه‌های مورد نظر آویزان می‌کنند و با صدای بلند می‌خوانند:

اول قهاره خیر و حونه‌تون بواره

(avale qahâre xeyr de hunatun bevâre)

نون و پنیر و شیره کیخای حونه‌تون نمیره

(nun o panir o sire keyxâye hunatun namire)

برگردان: اول زمستان است خیر و خوشی به خانه‌ات بیارد، نان و پنیر و شیره، بزرگ خانه سالم باشد (نمیرد)! بانوی خانه برای شگون و خوشحال کردن

برپاکننده‌های این رسم کهن مقداری شیرینی یا میوه و آجیل بر سر شال آنها می‌بندد و با تشکر و خوش آمد گفتن شال را تکان می‌دهد تا نوجوان‌ها آن را بالا بکشند.

نفس دزده

در گاه‌شمار سنتی محل آمده که زمین در سی و پنجمین روز از زمستان نفس دزده (نامحسوس) می‌کشد و کمی از سردی هوا کاسته می‌شود. (در پنجم بهمن‌ماه) در این تقویم محلی زمان نفس آشکارای زمین و کم‌شدن سرمای هوا در پنجاه و پنج روز اول زمستان (در ۲۵ اسفندماه بنابر تقویم جلالی) است.

پیش‌بینی وضع هوای زمستان

برخی بزرگان به نقل از نیاکان خود می‌گویند: بیستم آذرماه تا دهم دی‌ماه (ده روز بعد از شب یلدا) نمونه‌ای خواهد بود برای میزان برودت و سختی سرما در زمستان. در تقسیم‌بندی روزهای زمستان هم این‌طور می‌گویند:

«چل دمل، پنجاه و جا، شصت شکست.»

(čel demal panjâ ve jâ šast šekast)

برگردان: چهل به گردن، پنجاه بجاست، شصت شکست.

اول زمستان چهل روز سرما بر گردن است، در پنجاه هم هنوز به جای خود است و وقتی روز شصتم و بعد از آن فرامی‌رسد، سرما می‌شکند و از شدت آن کاسته می‌شود.

در تقسیم‌بندی سنتی فصل زمستان از این اسامی و اصطلاحات زیاد استفاده می‌شود:

- چارچار^۲ (čâr čâr)

- ششله^۳ (šašle)

- حمیل و محمیل (hamil mahmil)

- آستاره (ستاره) (āsâre)

- ننه سرما (ننه پیرزن)

در افسانه‌های مربوط به زمستان ننه سرما دو پسر دارد به نام حمیل و محمیل که در سرد کردن هوا، پاشیدن برف و ایجاد کولاک به ننه سرما کمک می‌کنند، ولی

در افسانه‌های مربوط به زمستان ننه سرما دو پسر دارد به نام حمیل و محمیل که در سرد کردن هوا، پاشیدن برف و ایجاد کولاک به ننه سرما کمک می‌کنند.

بلندی شب و کوتاهی روز

در این باره مقیاسی وجود دارد که در نوع خود جالب است. قدیمی‌ها می‌گویند از اول زمستان (اول قهار) هر روز به اندازه یک جو یا گندم به طول روز اضافه می‌شود. در ماه دوم زمستان هر روز به اندازه گام یک قلا (کلاغ)، اقا در ماه سوم زمستان به اندازه گام وازورن^۱ (vâzveran) (قوچ گله) بر تابش خورشید افزوده می‌شود که آمدن گرما و رفتن سرما کاملاً محسوس است.

۲. هشت روز بین دو چله بزرگ و کوچک را گویند. (از ۶ بهمن تا

۱۳ بهمن)

۳. دو شش روز است یعنی ۱۲ روز. (از ۲۵ اسفند تا ششم اسفندماه)

۱. وازورن به مسافتی گفته می‌شود که یک قوچ می‌تواند ببرد یا بجهد که گاهی به دو متر هم می‌رسد.

و گردنبد مروارید خودش را پاره می کند و فریاد سر می دهد:

حمیل رت محمیل رت دل و که بکنم خش
(hamil rat mahmil rat del veke bekonam xaš)

دم چمت بونم عالم بزئم تنش
(dom čommat bonam ālam bazanam taš)

مأموران نوروز برای دستگیری به تعقیب آنها می پردازند و آنها را به همراه «آساره» (یکی از یاران سرسخت ننه سرما) دستگیر می کنند و در دوازدهم از ماه اسفند در زیرزمین زندانی می کنند. وقتی ننه سرما متوجه می شود که فرزندان و یارش با آن همه سوز و سرما سرنگون شده اند، ناراحت و عصبانی می شود، گریانش را می درد

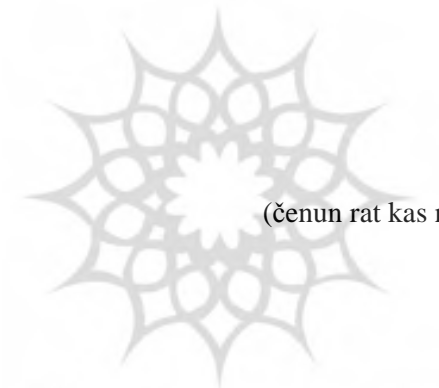


برگردان: حمیل و محمیل رفتند دل را به چه کسی
خوش کنم
چوب نیم سوخته را برمی دارم و عالم را با آن آتش
می زنم.

عده ای بنا بر شنیده های خود از بزرگان می گویند: به
نفس دزده آشکار زمین هم نمی شود اطمینان کرد، چون
قدیمی ها می گویند در هفتادمین روز زمستان (حدود دهم
اسفندماه) دیده اند که برف سنگینی باریده ولی چون
زمین گرم بوده، برف زود آب شده و مردم گرفتار در
یخبندان نشده اند.

در هفتاد برفی افتاد
به قد این تیر به حق این پیر
بنازم او که آفریدش
چنون رت کس ندیدش

(čenu rat kas nadideš)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی